

رخداد

زندانی فراری مادرش را گروگان گرفت

■ پلیس خبر: زندانی فراری که به علت ارتکاب تجاوز به عنف و زورگیری تحت تعقیب بود، پس از درگیری مسلحانه توسط پلیس کرمانشاه دستگیر شد. سرهنگ «دولتی» جانشین فرمانده انتظامی استان کرمانشاه، در این‌باره گفت: روز سه‌شنبه، پس از مدت‌ها کار اطلاعاتی ویژه با همکاری یگان‌های مختلف انتظامی استان کرمانشاه از جمله پلیس اطلاعات و امنیت عمومی، یگان ویژه پلیس آگاهی و انتظامی شهرستان کرمانشاه، شرور مسلح فراری به هویت شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ دولتی در خصوص اتهامات این مرد گفت: متهم به علت ارتکاب جنایتی از قبیل تجاوز به عنف، زورگیری، تشکیل باند فساد و فحشا، فروش و توزیع موادمخدر و فرار از زندان، تحت تعقیب مراجع قضایی و انتظامی بود و حتی در مواردی نیز اقدام به درگیری مسلحانه با مأموران پلیس کرده بود. وی ادامه داد: با کار اطلاعاتی منسجم معفیگاه متهم شناسایی و او پس از یک درگیری مسلحانه و در حالی که با گروگان گرفتن مادر خود قصد فرار داشت، دستگیر شد. جانشین فرمانده انتظامی استان کرمانشاه تصریح کرد: متهم به همراه یک قبضه کلت کمری برای سیر مراحل قانونی تحویل پلیس اطلاعات و امنیت عمومی انتظامی استان کرمانشاه شد.

کلاهبرداری با تاسیس شرکت سرمایه‌گذاری

■ باشگاه خبرنگاران جوان: دو مرد که یک شرکت سرمایه‌گذاری تاسیس و پس از جذب سرمایه‌داران متعدد اقدام به کلاهبرداری‌های میلیاردي کرده و متواری شده بودند، عاقبت دستگیر و روانه زندان شدند. تحقیقات پلیسی در پی اعلام گزارشی مبنی بر فعالیت دو متهم که با تاسیس یک شرکت سرمایه‌گذاری تجاری با ترندهای مختلف وعده وعیدهای بسیار سرمایه‌دارانی را جذب اما در نهایت یک سال بعد چندین میلیارد تومان کلاهبرداری کرده و متواری شده‌اند، به دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۱۰ تهران آغاز و ظرف مدت کوتاهی محل اختفای دو کلاهبردار در شمال کشور شناسایی شد و آنها به دام افتادند. دو متهم پس از دستگیری در بازجویی به ده‌ها فقره کلاهبرداری در موارد مختلفی اعتراف کردند و با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

نوزاد سه روزه در کیسه پلاستیکی

■ ایسنا:فرمانده انتظامی کاشمر از نجات نوزاد سه روزه‌ای که در داخل کیسه‌ای پلاستیکی قرار گرفته بود، خبر داد. سرهنگ محمود شیخی‌نژاد با اعلام این خبر افزود: فردی در تماس با سامانه پلیسی ۱۱۰ پ پیدا شدن نوزادی در یکی از خیابان‌های کاشمر خبر داد و مأموران پس از دریافت این خبر در محل حاضر شدند و اظهارات شاهدان را جمع‌آوری کردند. فرمانده انتظامی کاشمر با بیان اینکه این نوزاد صبح زود داخل کیسه پلاستیکی در مقابل بنگاهی رها شده بود، افزود: فرد یابنده هنگامی که به مغازه‌اش مراجعه کرد با کیسه‌ای مشکوک روبه‌رو شد و پس از باز کردن آن با این نوزاد مواجه شد. وی با بیان اینکه نوزاد پس از حضور مأموران تحویل بیمارستان شد، گفت: براساس اظهارات یکی از مسوولان بیمارستان، نوزاد هم‌اکنون در دستگاه نگهداری می‌شود و وضعیت وی رضایت‌بخش است.

تماس با ۱۱۰ برای خرید ساندویچ

■ مهر: فرماندهی نیروی انتظامی استان لرستان با انتقاد از مزاحمت‌های تلفنی برخی از شهروندان به پلیس گفت: ما در برخی موارد شاهد تماس‌هایی هستیم که فقط وقت پلیس را تلف و حق شهروندان را ضایع می‌کند. سردار کاظم عزیلزاده اظهار داشت: استفاده نادرست برخی از شهروندان از تلفن ۱۱۰، موجب ایجاد مشکلات زیادی برای پلیس شده است. وی با اشاره به برخی موارد مزاحمت‌های تلفنی به پلیس گفت: ما مودی داشتیم که فردی ساعت ۱۱ شب با پلیس ۱۱۰ تماس گرفته بود و می‌خواست ساندویچ سفارش دهد. سردار عزیلزاده در خصوص برخورد با مزاحمت‌های تلفنی به پلیس گفت: در این راستا مراجعانی که کار آنها نادم داشته باشد از طریق قضایی مورد پیگرد قرار خواهند گرفت.

کلاهبرداری با سکه‌های تقلبی

■ پلیس خبر: دو مرد که با فروش سکه‌های تقلبی دستت به کلاهبرداری می‌زدند، به دام افتادند. سرهنگ لیریایی، فرمانده انتظامی الیگودرز در این‌باره گفت: در پی شکایت فردی به پلیس آگاهی الیگودرز مبنی بر اینکه در تاریخ پنجم مهر مبلغ ۳۰ میلیون تومان از وی بابت خرید دو کیلو و ۵۰ گرم سکه، توسط افراد ناشناس کلاهبرداری شده است، مأموران به تحقیق در این خصوص پرداختند و هر دو کلاهبردار را که سکه‌های تقلبی فروخته بودند، دستگیر کردند. سرهنگ لیریایی در ادامه تصریح کرد: متهمان پس از تحقیقات پلیسی، به جرم خود اعتراف کردند و هر هارو ۸۰۰ قطعه سکه جعلی از آنها کشف و ضبط شد.

شرق: مرد ۶۷ ساله‌ای که به ۲۷ زن و دختر جوان تعرض کرده است این هفته یا شنبه آینده به دار آویخته می‌شود. این مرد که «حمید» نام دارد، پیش از این در دادگاه کیفری استان اصفهان محاکمه و به اعدام محکوم شد، اما رای صادره یکبار نقض و مجدد برای او حکم مرگ صادر شده بود. احمد که از سال ۸۵ در زندان به سر می‌برد به گفته محمدرضا حبیب، دادستان اصفهان در سه روز آینده اعدام خواهد شد.

اولین شکایت

اولین شکایت علیه احمد در آذر سال ۸۵ در قرارگاه امر به معروف و نهی از منکر اصفهان مطرح شد. شاکي زن جوانی بود که یک دختر معلول داشت و احمد برای اغفال وی از عنوان جعلی استفاده کرده بود. این زن به مأموران گفت: «احمد چندی قبل به عنوان مامور بهزیستی به خانه ما آمد و ادعا کرد قصد دارد به دخترم معلول کمک کند. رفت و آمدهای این مرد به منزل من به این بهانه ادامه داشت و احمد کم‌کم با من طرح دوستی ریخت و یک روز مرا به بهانه‌ای به خانه‌اش دعوت کرد. او در آن خانه مرا مورد آزار جنسی قرار داد و روز بعد یک سی‌دی برایم فرستاد که نشان می‌داد از صحنه تعرض به من فیلمبرداری کرده است. احمد به من گفت برای اینکه فیلم را منتشر نکند باید به خواسته‌های تن بدهم. او به افراد زیادی بدهکار بود و قصد داشت به جای بدهی‌اش مرا در اختیار دیگران قرار بدهد ولی من تصمیم گرفتم علیه او شکایت کنم.»

مأموران بعد از شنیدن حرف‌های این زن خانه احمد را به صورت نامحسوس تحت کنترل درآوردند و به تحقیق درباره زندگی متهم پرداختند. آنها فهمیدند احمد که دوهمسر دارد، خانه‌ای را به منظور اغفال زنان و دختران تهیه کرده است و رفت و آمدهای مشکوکی به این منزل صورت می‌گیرد. در

ادامه فاش شد این مرد یک مرکز فساد را هدایت می‌کند. سرانجام مأموران بعد از اطمینان از صحت گزارش‌های اعلام شده با حکم قضایی به خانه احمد رفتند و ضمن بازداشت او به بازسی از خانه‌اش پرداختند، آنها متوجه شدند این مرد در اتاق خواب خود دوربین مداربسته کار گذاشته است. کشف چندین سی‌دی از صحنه‌های تعرض به زنان و دختران جوان نشان می‌داد تعداد قربانیان این مرد فقط به همان یک شاکي ختم نمی‌شود.

۲۷ شاکي

مأموران در حالی بازجویی از احمد را آغاز کردند که ۱۲۰ ساعت فیلم از صحنه‌های تجاوز این مرد به دست آمده و ۱۱ مرد دیگر نیز به اتهام همدستی با وی دستگیر شده بودند. در جریان تحقیقات ۳۷ زن و دختر جوان علیه او شکایت کردند و از جنایت‌های احمد پرده برداشتند. در این مرحله فاش شد مرد میاسال برای به تله انداختن طعمه‌هایش از روش‌های مختلف استفاده می‌کرد. یکی از شگردهای او این بود که با شناسایی خانواده‌هایی که فرزند معلول داشتند در نقش مأمور

حوادث

عامل تعرض به ۳۷ زن اعدام می‌شود

این متهم ۶۷ ساله با فیلمبرداری از زنان از آنها سوءاستفاده می‌کرد

اعلام حکم قطعی متهمان خمینی‌شهر؛ هفته آینده

رئیس کل دادگستری استان اصفهان از اعلام حکم قطعی متهمان خمینی‌شهر در هفته آینده از سوی دیوان عالی کشور خبر داد. غلامرضا انصاری اظهار داشت: پس از اعلام رسانه‌ای حکم اعدام چهار نفر از متهمان در روز ۲۱ مرداد ماه توسط شعبه ۱۸ دادگاه، این افراد به حکم صادره اعتراض کردند. رئیس کل دادگستری استان اصفهان با بیان اینکه پرونده این متهمان در حال حاضر در دیوان عالی کشور به سر می‌برد، افزود: احتمالاً دیوان عالی کشور در مورد این پرونده تاکنون تصمیم گرفته اما حکم اصلی و نتیجه آن دوشنبه یا سه‌شنبه هفته آینده معلوم و به اصفهان ارجاع می‌شود. این ۹ مردی که در این رابطه محاکمه شده‌اند ۴ نفر از آنها به اعدام در ملاعام محکوم شده‌اند. بنابراین، گزارش این پرونده در مجموع ۱۵ متهم دارد که ۵ نفر از آنها فراری هستند این افراد خرداد ماه با حمله به یک میهمانی خانوادگی به زنان تعرض کردند.

بهریستی و به بهانه کمک‌رسانی به این منازل راه می‌یافت و زنان و دختران جوان خانواده را با ترندهای پیچیده به خانه خود می‌کشید و مورد آزار قرار می‌داد.

احمد در شگردی دیگر مقابل دبیرستان‌های دخترانه کشیکی می‌داد و با تعقیب دختران به محض اینکه می‌دید آنها با پسری صحبت می‌کنند یا قدم می‌زنند از آنها عکس می‌گرفت و سپس دختران دانش‌آموز را با این تهدید که عکس‌ها را در اختیار پدر آنها قرار می‌دهد به خانه‌اش می‌کشاند و به آنان تجاوز می‌کرد.

متهم بعد از اغفال هر طعمه فیلم تهیه شده را برای او می‌فرستاد و تهدید می‌کرد اگر با مردانی که او می‌گوید رابطه برقرار نکنند فیلم را تکثیر خواهد کرد. مأموران همچنین فهمیدند احمد برای مرعوب کردن طعمه‌هایش از عناوین جعلی مأمور امنیتی و انتظامی استفاده می‌کرد.

محاکمه

پرونده احمد بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی به دو بخش تقسیم شد. قسمت اول شامل اتهاماتی همچون دایر

راز گشایی از قتل تکان‌دهنده پسر ۲/۵ ساله مادر معتاد این کودک به خاطر فقر مجبور به کارهای خلاف می‌شد

بعد از اعتراضات بلقیس به قتل ابوالفضل اقرار کرد و گفت: شیشه کشیده‌بودم و تحمل صدا را نداشتم و گریه‌های ابوالفضل هم خیلی اذیتم می‌کرد. برای اینکه بتوانم او را آرام کنم سرش داد زدم اما او بیشتر گریه کرد. خیلی عصبی شدم، نمی‌دانم، چه‌دام چیزی بخرم، به همین خاطر مجبور بودم تن فروشی کنم البته بیشتر به مردی به نام مجتبی بودم و سعی می‌کردم تا وقتی که مجبور نشده‌ام با فرد دیگری نباشم. آن شب هم برای اینکه از مجتبی پولی بگیرم و غذا

بخورم با او رابطه برقرار کردم. او نیمه‌شب به خاطر صدای گریه بچه عصبانی شد و پسرم را زد و باعث مرگ او شد. بررسی‌های پلیس نشان داد بلقیس با زنی به نام رز که او نیز زنی خلاقکار است دوست است و آنها با هم در یک گوداری زندگی می‌کردند. آنها نیمه شب‌ها مخفیانه وارد گوداری می‌شدند تا شب را به صبح برسانند. آن شب نیز با کمک مجتبی وارد گوداری شدند و بعد از اینکه مجتبی مقدار زیادی شیشه مصرف کرد قصد برقراری ارتباط با بلقیس را داشت که به خاطر گریه‌های ابوالفضل نتوانست و کودک ۲/۵ ساله را به قتل رساند. مجتبی

انکار جنایت در آرایشگاه زنانه متهم اعترافاتش را درباره قتل همسر موقتش پس گرفت

آرایشگاه بیاید. وقتی آمد، با هم وارد آرایشگاه شدیم و جسد مهناز را پیدا کردیم. نماینده دادستان تهران ادامه داد: متهم در بازجویی‌ها دوباره به قتل مهناز اعتراف کرد و گفت: من و مهناز مدتی بود با هم رابطه داشتیم و با خواندن صیغه محرمی‌ام و همسر من شده بود، اما من نمی‌توانستم روی مهناز تسلط داشته باشم. او کمتر به خانه من می‌آمد. مدتی بود به او مشکوک شده بودم. هر چه از مهناز درباره رفتارهایش توضیح می‌خواستم، توجهی نمی‌کرد می‌گفت زندگی‌اش به خودش مربوط است. بعد از کمی تحقیقات متوجه شدم او با مردی به نام کریم هم رابطه دارد. از مهناز خواستم که من مورد این رابطه به من توضیح دهد، چون به حرفم گوش نکرد، عصبانی شدم و به آرایشگاه رفتم. کسی آنجا نبود و مهناز هم داشت از آرایشگاه خارج می‌شد. به اصرار من به آرایشگاه برگشت و در آنجا دوباره از او خواستم

کردن مرکز فساد و جعل عنوان، تهیه فیلم‌های غیراخلاقی، شرب خمر و رابطه نامشروع بود که در اختیار شعبه ۱۲۰ دادگاه عمومی اصفهان قرار گرفت و قضات شعبه دوم دادگاه کیفری استان اصفهان نیز مسؤول رسیدگی به اتهام تجاوز به عنف شدند. احمد در نهایت گناهکار شناخته و به اعدام محکوم شد اما به رای صادره اعتراض کرد.

در حالی که رسیدگی به پرونده این مرد که به روباه پیر مشهور شده بود، ادامه داشت شاکیان از پیگیری شکایت‌شان صرف‌نظر کردند به همین سبب دیوانعالی، کشور رای صادره را نقض و پرونده را بار دیگر به دادگاه کیفری فرستادند. احمد برای دومین مرتبه محاکمه و باز هم به مرگ محکوم شد که این رای سرانجام به تأیید رسید. دادستان عمومی و انقلاب اصفهان دیروز با اعلام اینکه احمد تا روز شنبه به‌دار آویخته می‌شود، درباره این پرونده گفت: «رسیدگی به این پرونده به علت لزوم رفع پارای از نواقض از سال ۸۵ تاکنون به طول انجامید. دستگاه قضایی به منظور حفظ کيان و آبروی شهروندان در بدو امر مجاز به بیان جزئیات پرونده‌ها به ویژه پرونده‌های دارای جرایمی همچون اعمال منافعی عفت نیست و همین امر سبب می‌شود شهروندان تصور کنند این دستگاه نسبت به پرونده‌های اینچنینی بی‌اهمیت است اما این موضوع صحیح نیست و دستگاه قضایی برای احقاق حقوق مردم با کسی ملامشات نمی‌کند»

وی با‌اشاره به اینکه این پرونده با پیگیری جدی مسوولان قضایی استان اصفهان به سرانجام رسید، افزود: زنان و دختران باید به این موضوع توجه داشته باشند که افراد شیاد و سودجویی در جامعه وجود دارند که به دنبال سوءاستفاده از آنان هستند.

راز گشایی از قتل تکان‌دهنده پسر ۲/۵ ساله مادر معتاد این کودک به خاطر فقر مجبور به کارهای خلاف می‌شد

بدن کودک ۲/۵ ساله در حالی‌بود که پزشکی قانونی اعلام کرده ابوالفضل هدف ضربات مهلکی قرار گرفته‌است و شکستگی عمیقی در ناحیه پیشانی این کودک وجود دارد که نشان‌دهنده برخورد جسم سخت به صورت اوست. چشم راست این کودک نیز تخلیه شده و شکستگی‌هایی در منطقه قدامی قفسه سینه این کودک دیده می‌شود. در آخرین مرحله، مأموران پلیس رز، دوست بلقیس را مورد بازجویی قرار دادند. او اتهام خود را قبول کرد و گفت: من در قتل نقشی نداشتم و بعد از قتل وقتی دیدم که دوستم به درسر افتاده است سعی کردم به او کمک کنم و به‌همین دلیل همراه او رفتم که جسد را دفن کند. بلقیس مادر بی‌عطفه‌ای نبود. هر چند گاهی از دست بچه خسته می‌شد اما این به خاطر بی‌علاقگی او نبود. به خاطر این بود که اعتیاد داشت و پولی هم نداشت و پدر بچه‌اش هم به خاطر اعتیادش از او سوءاستفاده می‌کرد. با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست به اتهام قتل عمد برای مجتبی و معاونت در قتل برای بلقیس و رز و همچنین اشاره به رزای محصنه بلقیس پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. قاضی عزیزی‌جمدی – رئیس دادگاه– بعد از مطالعه پرونده به صورت نواقصی که در مرحله تحقیق در این خصوص وجود داشت پرونده را برای برطرف کردن نواقص به دادسرای ورامین بر گرداند و با برطرف شدن این نواقص مجتبی، بلقیس و رز به زودی محاکمه خواهند شد.

در مورد رابطه‌اش با کریم توضیح دهد؛ چون مقاومت کرد، عصبانی شدم و او را کشتم. من روسری مهناز را دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم، بعد از آرایشگاه خارج شدم و برای اینکه خودم را تبرئه کنم، به دوست مهناز رنگ زدم و گفتم مهناز جواب نمی‌دهد و خواستم بیاید تا با هم وارد آرایشگاه شویم. نماینده دادستان تهران ادامه داد: بررسی‌های بازپرس نشان داد متهم همسری داشت که از او جدا شده است. او یکبار به اتهام آتش‌زدن، خانه پدرنش بازداشت شده‌بود و سابقه شرارت هم دارد. بنابراین به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست دارم متهم به اتهام قتل مهناز، رابطه نامشروع و سرقت اموال او محاکمه و مجازات قانونی در مورد او اعمال شود.

بعد از نماینده دادستان تهران، اولیادیم مقتول در جایگاه حاضر شدند و درخواست صدور حکم قانونی را کردند. سپس متهم قتل را رد کرد و گفت: اتهام‌ها را قبول ندارم هر آنچه گفتم، تحت فشار بود. من مهناز را نکشتم. او با افراد دیگری هم رابطه داشت و شاید آنها باعث مرگش شده‌اند. با پایان یافتن جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

پنج قاره

۱۷ کارگر، قربانی انفجار معدن آسوشیتدپرس: انفجار معدن زغال‌سنگ در جنوب غربی چین ۱۷ معدنچی را به کام مرگ برد. هنگام وقوع این درمجا‌ر ۲۸ معدنچی داخل معدن بودند که ۱۱ نفر از آنان مجروح شدند. علت وقوع این انفجار در دست بررسی است. بنا بر این گزارش با وجود بالا رفتن امنیت معادن زغال‌سنگ در چین، همچنان سالانه تعداد زیادی کارگر معدن بر اثر انفجار جان خود را از دست می‌دهند.

سقوط بالگرد تفریحی

آسوشیتدپرس: سقوط بالگرد تفریحی به داخل رودخانه «یست ربور» در نیویورک به مرگ یک نفر و مجروح شدن چهار نفر انجامید. به گفته «پاول دادلی»، خلبان بالگرد، این پنج نفر به مناسبت ۴۰ساله شدن یکی از دوستانشان سوار بر این بالگرد شده بودند. به گفته پلیس این بالگرد مدت کوتاهی

نگاه

آموزش از کودکی راهی برای مقابله با تجاوزان



بهنام اوحدی*

■ بررسی علل اصلی و ریشه‌هایی که باعث شده است مردی در سن ۳۷ سالگی به ۳۷ زن و دختر تعرض کند حایزاهمیت است. در وهله اول احتمال ابتلای چنین اشخاصی به اختلال خلق دو قطبی (مانیک–دپرس) یا اُتروفی (چروکیدگی لوب پیشانی مغز) وجود دارد اما به دلیل سن بالای این متهم چنین احتمالی در مورد وی رد می‌شود. البته برای اطمینان بیشتر باید از او سی‌تی‌اسکن مغزی صورت بگیرد اما چنانچه وی به این موارد مبتلا باشد می‌توان او را دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی (جامعه‌ستیز– سایکوپات) دانست که بدون احساس عذاب وجدان و گناه به گونه‌های مختلف بزهکاری و جنایت دست می‌زند. البته در این مورد مساله مالی و به نوعی امرامعاش و پس‌دادن قرض مطرح بود که خود می‌تواند دلیلی نیرومند برای اعمال مجرمانه او باشد. بدیهی است، انجام چنین عملی با برنامه قبلی و طراحی از مدت‌ها و ماه‌ها قبل، انجام شده است که اصولاً چنین مواردی در اختلالات عمده روانپزشکی دو قطبی و زوال عقل دیده نمی‌شود. بنابراین احتمال کمی وجود دارد که فرد خارج از شعور و درک و اراده دستت به چنین کارهایی زده باشد و نمی‌توان او را مبرا از گناه و مجازات دانست. بار دیگر تأکید می‌کنم در این مورد احتمال اختلال شخصیت ضداجتماعی که با انگیزه مالی همراه بوده بیشتر است. در مجموع جایگاه روان و جنسیت در مغز افراد است و بیمار روانی و جنسی را نمی‌توان از هم جدا کرد و در واقع رابطه جنسی بخشی از روان است. از لحاظ علمی نیز سکسولوژی موزی با روانپزشکی نیست و این مناطق مختلف مغز است که اعمال و رفتار مختلف فرد را کنترل می‌کند. اما آنچه برای مسوولان و مردم مهم است، بستری است که در بروز اختلال شخصیت این مجرم و موارد مشابه موثر بوده و زمینه‌هایی اجتماعی که چنین جرمی در آن رخ داده نیز دارای اهمیت است. روان و اجتماع سالم دو مولفه‌ای هستند که بر هم تاثیر می‌گذارند. بنابراین تحلیل جامعه‌شناختی و روانشناختی در این مسائل بسیار مهم است تا در آینده چنین وقایعی را شاهد نباشیم. لازم است پدر و مادران با فرزندان خود رابطه دوستانه داشته باشند و هرچه این رابطه صمیمانه‌تر باشد، زمینه وقوع چنین اتفاقاتی کمتر به وجود می‌آید. در این صورت است که نوجوانان برخلاف رفتار دختران دبیرستانی در این پرونده به مدارک و مستندات بی‌اساس و جزیی مبنی بر غیراخلاقی بودن رفتارشان به قبول خواسته‌های مجرم‌تن نمی‌دهند و با در جریان گذاشتن والدین خود، به راحتی می‌توانند از این رفتارها جلوگیری کنند. به این صورت که فرزندان ماجرا را برای پدر و مادر شرح می‌دهند و با طرح شکایت، از وقوع موارد مشابه نیز جلوگیری می‌شود. از طرفی در جوامع پیشرفته، کودکان از دوره کودکستان و دبستان رابطه‌ای صمیمانه و نزدیک با پلیس دارند و حتی اگر از پدر و مادر خود شکایت داشته باشند، دلیل رفتار مهربانه پلیس به او مراجعه می‌کنند. این در حالی است که لزوم چنین رابطه‌ای در کشور ما دیده نشده و حتی گاه نوجوانان به دلیل برخی رفتارها از پلیس فراری هستند و در چنین مواردی اقدام به شکایت نمی‌کنند. همچنین می‌توان به وجود کارآگاهان خصوصی برای جلوگیری از وقوع چنین اتفاقاتی در جوامع پیشرفته اشاره کرد که به عنوان بازویی به کمک چنین کودکانی می‌آیند، ضمن اینکه در بسیاری از کشورها اداره امور اجتماعی و خانه‌های امن و مشاوران سالمی وجود دارد که نوجوانان با تماس با آنها می‌توانند راهگشای مشکلات خود باشند. البته با توجه به نوع نگاه غلطی که همواره در جامعه ما نسبت به مسائل جنسی وجود دارد و این وقایع همیشه با انکار و مخفی کردن همراه است، چنین اتفاقاتی به دلیل آگاه نبودن والدین دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. حتی دیده شده است که روزنامه‌ها از انتشار چنین وقایعی منع شده‌اند که باعث هوشیاری کمتر پدر و مادران شده است. با وجود همه این مسائل باید در نظر داشت که نمی‌توان از به‌وجود آمدن افرادی که اختلال شخصیتی و خلق دوقطبی دارند یا به روان‌پریشی مبتلا هستند، جلوگیری کرد. چون چنین اختلالاتی در اثر ضربات مغزی، عفونت دوران نوزادی و شیرخوارگی و آلودگی محیطی و حتی صدمات مغزی دوران جنینی به‌وجود می‌آید و علاوه بر همه اینها کشور ما نیز در کمربند موادمخدر قرار دارد. بنابراین همیشه احتمال ظهور چنین افرادی وجود دارد اما می‌توان با تغییر بسترهای اجتماعی چنان رفتار کرد که زمینه این اتفاق‌ها بشوم نتوانند رشد کنند و افراد توان بروز برای اعمال مجرمانه را نداشته باشند. حتی می‌توان گفت ساختار اجتماعی درست، جرات و حسرتی می‌تواند بروز چنین رفتاری را در افراد نمی‌دهد، اگر بسترهای اجتماعی وجود نداشته باشد، بی‌تابیتا چنین جرایمی نیز رخ نمی‌دهد. بنابراین افراد نیز در برابر خواسته‌های چنین مجرمانی تسلیم نمی‌شوند و اجازه می‌دهند مسائل روال قانونی خود را طی کنند. در پایان بار دیگر بر آموزش رفتار درست به کودکان و فرزندان تأکید می‌کنم، چون باید از یک وکیل‌سالک به فرزندان آموزش داده شود که در برابر لمس، نگاه و گفتار افراد غریبه چه باید کرد یا از چه کسانی و چگونه کمک خواست تا با ازبین‌بردن بسترهای وقوع جرایم جنسی که حتی ممکن است از سوی نزدیکان و اقوام رخ دهد، جلوگیری شود.

***روان‌درمانگر مشکلات جنسی**